

## سنجش پایداری توسعه در استان‌های ایران بر اساس شاخص جای پای اکولوژیک<sup>1</sup>

حسن دلیری<sup>2</sup>

استادیار اقتصاد، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

نادر مهرگان<sup>3</sup>

استاد اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ دریافت: 1394/11/21 تاریخ دریافت: 1395/8/10

### چکیده

شاخص جای پای اکولوژیک، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای اندازه‌گیری اثرات فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع بر محیط‌زیست است. این شاخص می‌تواند مقدار فشاری را که برای تأمین نیازهای مصرفی، بر جغرافیا وارد می‌شود، اندازه‌گیری کند. با توجه به اهمیت این شاخص و عدم محاسبه آن برای استان‌های ایران، در مطالعه حاضر، این شاخص برای استان‌های ایران اندازه‌گیری و مقایسه شده است. به عبارت دیگر شاخص جای پا، برای هر یک از ساکنان استان‌های ایران، در بخش‌های مصرفی غذا، کالا و خدمات، حمل و نقل، و مسکن و همچنین در زیر بخش‌های زمین کشاورزی، مرتع، جنگل، ساخته شده و انرژی، اندازه‌گیری و استان‌ها از این حیث رتبه‌بندی شدند. نتایج نشان از آن دارد که در زمین کشاورزی، خراسان جنوبی بالاترین و فارس کمترین، در زمین انرژی، اصفهان بالاترین و سیستان و بلوچستان پایین‌ترین، در زمین مرتع، خراسان جنوبی بالاترین و قزوین پایین‌ترین، در زمین جنگل، تهران بالاترین و سیستان و بلوچستان پایین‌ترین و در زمین‌های ساخته شده، استان خراسان جنوبی بالاترین و استان آذربایجان غربی پایین‌ترین مقدار جای پای اکولوژیک را در بین سایر استان‌های ایران داشته‌اند. نتایج کلی

1- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با کد 91058093 می‌باشد که با پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور به انجام رسیده است.

2- [h.daliri@gu.ac.ir](mailto:h.daliri@gu.ac.ir)

حاصل از این محاسبه که از تجمیع تمام بخش‌های جای پای اکولوژیک حاصل می‌شود، نشان از آن دارد که ساکنان استان اصفهان با جای پای به اندازه 2/412 هکتار برای هر نفر دارای بالاترین مقدار و ساکنان استان سیستان و بلوچستان با مقدار 1/269 هکتار برای هر نفر دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک در میان استان‌های ایران می‌باشند. با توجه به نتایج سنجش پایداری توسعه، می‌توان بیان نمود که تمامی استان‌های ایران دارای ناپایداری اکولوژیک بوده و در این بین استان‌های اصفهان، قم و تهران بالاترین ناپایداری را دارند.

**کلیدواژه‌ها:** جای پای اکولوژیک، ظرفیت زیستی، توسعه پایدار، استان‌های ایران.

## مقدمه

شاخص جای پای اکولوژیک<sup>1</sup> ابزاری برای سنجش پایداری است که میزان اثرات مصرف انسان را بر روی محیط‌زیست ارزیابی می‌کند. مفهوم جای پای اکولوژیک در اوایل دهه 1990 توسط ماتیس واکرناگل<sup>2</sup> و ویلیام ریز<sup>3</sup> ابداع شد (Wackernagel 1991, Rees 1992, Wackernagel and Rees 1996)<sup>4</sup>. شاخص جای پای اکولوژیک نشان می‌دهد که در کدام ناحیه و کجا، انسان بر روی منابع طبیعی فشار وارد می‌کند. در واقع این شاخص مقدار استفاده اشخاص، سازمان‌ها، شهرها، مناطق، کشورها و یا کل جمعیت انسانی، از منابع طبیعی را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین به صورت خلاصه می‌توان گفت که جای پای اکولوژیک از جدیدترین تلاش‌ها برای نشان دادن، کمی و عملی اثر انسان روی محیط‌زیست است.

تاکنون در نقاط مختلف دنیا مطالعات فراوانی با استفاده از این روش انجام شده است، هر چند

1- Ecological Footprint

2- Mathis Wackernagel

3- William Rees

4- میزان جای پای اکولوژیک نشانگر مقدار مصرف (تقاضای مردم برای کالاهای طبیعی و خدمات است) و معادل مقدار زمین، یا آبی است که نیازهای مصرفی جامعه را تأمین کرده، یا آنکه پسماند تولیدی آنها را جذب می‌کند. به این معنا، جای پای اکولوژیک بازگوکننده آثاری است که هر کدام از جوامع در اثر سبک و شیوه زندگی خود، بر طبیعت به جای می‌گذارند (Wilson and anielski, 2005).

در ایران تعداد این مطالعات اندک است، اما مطالعات مفیدی پیش‌ازین به انجام رسیده که به صورت خلاصه در ادامه آورده می‌شود. از مهم‌ترین مطالعات انجام شده در ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: حسین‌زاده‌دلیر و ساسان‌پور (1385) محاسبه جای پای اکولوژیک شهر تهران (Hoseinzadeh dalir and Sasanpour, 2006)، عربی یزدی و همکاران (1388) محاسبه جای پای آب در بخش کشاورزی ایران (Arabi-Yazdi et al., 2010)، عربی یزدی و همکاران (1388) جای پای اکولوژیک آب در خراسان رضوی (Arabi-Yazdi et al., 2009)، سرایی و زارعی (1388) محاسبه جای پای اکولوژیک در بوشهر (Zareei & Saraei, 2009)، فریادی و صمدپور (1389) محاسبه جای پای اکولوژیک مصرف سوخت‌های فسیلی در بخش حمل‌ونقل تهران (Faryadi & samadpor, 2010)، سرایی و زارعی (1390)، محاسبه جای پای اکولوژیک کل کشور ایران براساس گزارش‌های جهانی (Zareei & Saraei, 2011)، شکور و دیگران (1390) سنجش پایداری گردشگری در بوان ممسنی (Shakoor et al., 2011)، جمعه پور و شهانواز (1391) محاسبه جای پای اکولوژیک شهرستان رشت (Jome pour et al., 2013)، ساسان‌پور و سلیمانی (2011) محاسبه جای پای اکولوژیک تهران لندن و سانتیاگو (Sasanpour & Solymani, 2011)، قرخلو و همکاران (1392) محاسبه جای پای اکولوژیک کرمانشاه (Gharakhloo et al., 2013)، غلامحسین پور جعفری نژاد و همکاران (1392) جای پای اکولوژیک آب برای محصولات پسته و خرما (Gholamhossien pour jafari nejad et al., 2013)، حاجی‌لو و دیگران (1392) محاسبه جای پای اکولوژیک تبریز (Hajjilu et al. 2013)، مهرگان و دلیری (1394) محاسبه جای پای اکولوژیک استان‌های شمالی (Daliri & mehregan, 2015)، دلیری و شهانواز (1394) محاسبه جای پای اکولوژیک مسکن (Daliri & Shahanavaz, 2015)، دلیری و مهرگان (1394) محاسبه جای پای اکولوژیک استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی (Daliri & mehregan, 2015). با توجه به پیشینه انجام شده در ایران، هنوز جای پای اکولوژیک برای تمامی استان‌ها به صورت همزمان و در مقام مقایسه انجام نشده است و در مقاله حاضر به دنبال آن خواهیم بود تا شاخص جای پای اکولوژیک را برای تمامی استان‌های ایران

اندازه گیری نمایم به عبارت دیگر مقاله حاضر بسط نظری و پیمایشی مطالعات مهرگان و دلیری (1394) برای کل استان های ایران می باشد<sup>1</sup>. به این منظور ابتدا به صورت خلاصه شاخص جای پای اکولوژیک معرفی شده و سپس با توضیح روش محاسبه در هر بخش، مقدار جای پای اکولوژیک استان های ایران محاسبه و گزارش خواهند شد.

### شاخص جای پای اکولوژیک

ریز و واکرناگل (1993؛ 1996) الگویی را برای محاسبه شاخص جای پای اکولوژیک با استفاده از ماتریس مصرف کاربری اراضی ارائه دادند که شامل: الف - طبقه بندی های مصرف که شامل غذا، مسکن، حمل و نقل، کالاهای مصرفی و خدمات، مواد زائد ب - طبقه بندی کاربری اراضی که به طور کلی شامل شش جزء جداگانه است و کلیه کالاها و خدمات مصرفی که انسان در طول زندگی استفاده می کند، باید در شش جزء گنجانده شوند (Cheal Ryu, 2005). 1- زمین کشاورزی: مساحت زمین مورد استفاده برای تولید محصولات که در جامعه مصرف می شود. 2- زمین انرژی: مساحت جنگلی که برای جذب دی اکسید کربن ناشی از مصرف سوخت به صورت مستقیم و غیرمستقیم، مورد نیاز خواهد بود. 3- زمین مرتع: مساحت مرتعی که برای پرورش دام مورد نیاز و تولیداتشان، برای جمعیت منطقه، یا کشور مورد استفاده قرار می گیرد. 4- زمین جنگل: مساحت جنگلی که برای تولید چوب و کاغذ، مورد نیاز است. 5- زمین دریا: مساحت دریایی که برای تولید ماهی و غذاهای دریایی، برای جمعیت منطقه یا کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد. 6- زمین ساخته شده: مساحت زمینی که برای ساخت و ساز ساختمان ها و زیرساخت های سکونتگاهی مورد نیاز است. مجموع کل زمین های مورد نیاز در این بخش نشانگر مقدار جای پای اکولوژیک خواهد بود. قاعدتاً، برای محاسبه این شاخص نیاز است تا فروض اولیه ای تدوین شود<sup>2</sup>، که براساس آن می توان جای پای اکولوژیک، بر هر یک از مناطق جغرافیایی را

1- از آنجایی که مقاله حاضر طولانی می باشد، برای بیان پیشینه در همین حد اکتفا شده است و دیگر بخشی مجزا برای پیشینه در نظر گرفته نشده است.

2- 1. میزان منابعی که مردم مصرف می کنند و پسماندی را که آنها تولید می کنند می توان اندازه گیری و دنبال کرد. 2. یک زیر مجموعه مهم از این جریان منابع و پسماندها را می توان برحسب نواحی حاصلخیز لازم برای حفظ این جریان اندازه گیری کرد.

اندازه‌گیری کرد (Jome pour et al., 2013)<sup>1</sup>.

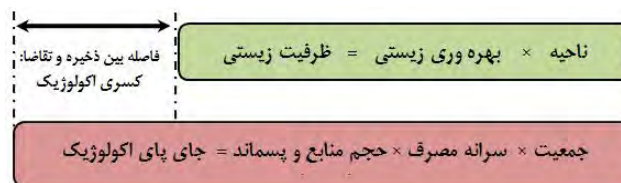
پس از آنکه جای پای اکولوژیک مورد محاسبه قرار گرفت، برای آزمون پایداری منطقه‌ای، نیاز است تا ظرفیت زیستی نیز برآورد شود. ظرفیت زیستی، نواحی زمین حاصلخیزی است که برای تولید منابع و جذب پسماند وجود دارد. ظرفیت زیستی یک معیار برای اندازه‌گیری میزان زمین حاصلخیز موجود و توانایی این مناطق برای تولید محصولات کشاورزی، علف، چوب، ماهی و همچنین جذب پسماند می‌باشد (Shahanavaz, 2012). ظرفیت زیستی با دو عامل تعیین می‌شود: پهنه‌های آبی و خاکی بهره‌ور و مقدار حاصلخیزی آن پهنه‌ها که با معیار میزان بازده برای هر هکتار اندازه‌گیری می‌شوند. در سال 1971، ارلیک و هلدرن<sup>2</sup>، مطالعه اولیه‌ای ارائه دادند که عوامل تکوین ذخیره سرمایه طبیعی را مورد بررسی قرار می‌داد و این عوامل عبارتند از: جمعیت، فراوانی، فناوری. این مدل که به نام IPAT<sup>3</sup> شهرت یافت، (اثر زیست‌محیطی = جمعیت \* فناوری \* تکنولوژی) چارچوب مفیدی برای بررسی اثر زیست‌محیطی است. جای پای اکولوژیک با سه عامل: جمعیت، سرانه مصرف، و حجم منابع و پسماندها تعیین می‌شود (Ewing et al., 2010:23).

جریان منابع و پسماندی که قابل اندازه‌گیری نباشد از ارزیابی مستثنی هستند و منجر به ناچیز شمردن سیستماتیک جای پای حقیقی انسان می‌شود. 3. با وزن دهی به هر یک از نواحی به نسبت حاصلخیزی‌شان، انواع مختلف نواحی می‌توانند تبدیل به واحد مشترک هکتار جهانی شوند، هکتارهایی با حاصلخیزی میانگین جهانی. 4. به دلیل اینکه یک هکتار جهانی منفرد، یک مصرف مجزا دارد و هر هکتار جهانی در هر سال معین، مقدار مشابهی از حاصلخیزی را نشان می‌دهد، آن‌ها می‌توانند با جمع کردن، یک شاخص متراکم جای پای اکولوژیک یا ظرفیت زیستی، به دست آورند. 5. تقاضای انسان، که به عنوان جای پای اکولوژیک بیان شده، می‌تواند مستقیماً، ذخیره طبیعت و ظرفیت زیستی را در صورتی که هر دو در هکتار جهانی بیان شده باشند با هم مقایسه کند. 6. اگر تقاضای یک اکوسیستم از ظرفیت احیاکننده اکوسیستم تجاوز کند، تقاضای نواحی، می‌تواند از نواحی ذخیره تجاوز کند (Ewing. Et al., 2008:3).

1- با توجه به طولانی بودن نتایج و مباحث موجود در مقاله از توضیح جزئیات روش نظری جای پای اکولوژیک اجتناب شده است، برای مطالعه مراجعه نمایید به: دلیری، حسن و نادر مهرگان (1394)، بررسی و مقایسه پایداری توسعه منطقه‌ای در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، دو فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال 22، شماره 9، صص 30-1.

2- Paul R. Ehrlich and John P. Holdren

3- Environmental Impact = Population \* Affluence \* Technology



شکل 1: عوامل جای پا و ظرفیت زیستی که کسری اکولوژیک جهانی را تعیین می کنند  
منبع: (Ewing et al., 2010)، به نقل از (Shahanavaz, 2012)

با توجه به گزارش های جهانی جای پای اکولوژیک ایران در سال 2012 برابر با مقدار 2/66 بوده است. این در حالی است که هر یک از ساکنان ایران در سال 2010، دارای جای پای اکولوژیک به اندازه 2/68 هکتار سرانه بودند. اما از سوی دیگر بررسی رتبه ایران در این شاخص نشان از آن دارد که ایران، در سال های 2010 و 2012 رتبه 64 را بین کشورهای دنیا کسب کرده است. علاوه بر این، بررسی و قیاس جایگاه ایران در بین کشورهای آسیا در این بخش می تواند مفید باشد. همان گونه که در جدول 1 قابل مشاهده است، ایران دارای جای پای اکولوژیکی بزرگ تر از متوسط آسیا بوده است<sup>1</sup> (Ewing et al., 2012).

جدول 1: مقایسه تراز اکولوژیکی کشورهای منتخب آسیایی

تراز اکولوژیک	ظرفیت زیستی	جای پا	متوسط آسیا
(۱.۰)	۰.۸	۱.۸	متوسط آسیا
(۰.۱)	۰.۵	۰.۶	افغانستان
(۱.۰)	۰.۷	۱.۸	ارمنستان
(۱.۱)	۰.۸	۱.۹	آذربایجان
(۰.۲)	۰.۴	۰.۶	بنگلادش
(۱.۲)	۱.۰	۲.۲	چین
(۰.۶)	۱.۲	۱.۸	گرجستان
(۰.۴)	۰.۵	۰.۹	هندوستان
۰.۱	۱.۴	۱.۲	اندونزی
(۱.۹)	۰.۸	۲.۷	ایران

1- برای دسترسی به داده های خام می توانید مراجعه کنید به آدرس ذیل:

عراق	۱.۳	۰.۳	(۱.۰)
ژاپن	۴.۷	۰.۶	(۴.۱)
اردن	۲.۱	۰.۲	(۱.۸)
قزاقستان	۴.۵	۴.۰	(۰.۵)
کره شمالی	۱.۳	۰.۶	(۰.۷)
کره جنوبی	۴.۹	۰.۳	(۴.۵)
کویت	۶.۳	۰.۴	(۵.۹)
قرقیزستان	۱.۲	۱.۳	۰.۱
لبنان	۲.۹	۰.۴	(۲.۵)
مالزی	۴.۹	۲.۶	(۲.۳)
مغولستان	۵.۵	۱۵.۱	۹.۶
عمان	۵.۰	۲.۱	(۲.۸)
پاکستان	۰.۸	۰.۴	(۰.۳)
فیلیپین	۱.۳	۰.۶	(۰.۷)
قطر	۱۰.۵	۲.۵	(۸.۰)
عربستان	۵.۱	۰.۸	(۴.۳)
سنگاپور	۵.۳	۰.۰	(۵.۳)
سوریه	۱.۵	۰.۷	(۰.۸)
تاجیکستان	۱.۰	۰.۶	(۰.۴)
تایلند	۲.۴	۱.۲	(۱.۲)
ترکیه	۲.۷	۱.۳	(۱.۴)
ترکمنستان	۳.۹	۳.۲	(۰.۷)
امارات	۱۰.۷	۰.۸	(۹.۸)
ازبکستان	۱.۷	۰.۹	(۰.۸)
یمن	۰.۹	۰.۶	(۰.۳)

منبع: گزارش جهانی جای پای اکولوژیک 2012 (اعداد داخل پرانتز، نشانگر کسری اکولوژیک است)

### روش پژوهش و نتایج<sup>1</sup>

در ادامه نتایج حاصل از اندازه‌گیری جای پای اکولوژیک در هر یک از بخش‌های مورد نظر

1 - از آنجایی که روش پژوهش بسیار طولانی و جزئی می‌باشد، و نیازمند آن است که در هر بخش به صورت جزئی توضیح داده شود، از آوردن بخشی مجزا به عنوان روش پژوهش خودداری شد و توضیحات لازمه در بخش نتایج در حد امکان ارائه شد. البته نتایج می‌تواند بسیار تفصیلی‌تر از این و در هر زیر بخش به علاقه‌مندان ارائه گردد.

به همراه روش دقیق اندازه گیری ارائه خواهد شد.

### 3-1- جای پای مصرف مواد غذایی

در بخش مصارف غذایی، انسان‌ها از زمین‌های کشاورزی، دریایی، جنگلی، ساخته شده و مرتع استفاده می‌کنند. همچنین در این فرآیند، آنان مقادیری از سوخت‌های فسیلی را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند، که از آن به عنوان زمین انرژی نام خواهیم برد. در اولین گام مقدار زمین کشاورزی لازم برای برطرف نمودن نیازهای مصرفی ساکنین استان‌ها اندازه گیری می‌شود. برای این کار مقادیر مصرف، تولید و بازده تولید هر یک از اقلام اصلی در سبد خانوار ایرانیان اعم از ارقام برنج، گندم (دیم و آبی)، سیب‌زمینی، پیاز، چغندر قند، نیشکر، سویا، کلزا، سایر دانه‌های روغنی (اعم از آفتابگردان، بادام زمینی و ...) و کلیه محصولات باغی<sup>1</sup> محاسبه می‌شود. مقدار زمین لازم برای تأمین نیازهای مصرفی در هر کدام از اقلام فوق با استفاده از بازده تولید در هر یک از محصولات برای هر استان محاسبه خواهد شد<sup>2</sup> تجمیع آن برای تمام مصارف کشاورزی،

1 - این بخش شامل 60 زیر مجموعه اعم از سیب، گلابی، به، سایر دانه دارها، زردآلو، قیسی، گیلان، آلبالو، هلو، شلیل، شفتالو، آلو، گوجه، سایر هسته دارها، انگور آبی، انگور دیم، توت فرنگی و ... می‌شود.

2 - به دلیل طولانی بودن روند محاسبات از بازگویی و تشریح جزئیات تک تک محاسبات چشم پوشی کرده‌ایم و در هر یک از بخش‌ها مثال‌هایی را برای آشنایی خوانندگان از فرآیند محاسبه جای پا ارائه خواهیم کرد: برای مثال برای محاسبه جای پای زمین کشاورزی برای تأمین نیاز مصرف به برنج در استان آذربایجان شرقی به صورت زیر عمل می‌کنیم: در استان آذربایجان شرقی به ازاء هر هکتار اختصاص داده شده به برنج تقریباً 6146 کیلوگرم محصول تولید می‌شود، از سوی دیگر هر کدام از ساکنین استان به صورت متوسط سالانه 37 کیلوگرم برنج مصرف می‌کند (براساس آمارهای FAO) با توجه به جمعیت ساکن در استان، آذربایجان شرقی هر ساله نیازمند واردات تقریباً 125818611 کیلوگرم برنج خواهد بود. بنابراین برای محاسبه جای پای زمین کشاورزی (برای محصول برنج) در استان آذربایجان شرقی بدین صورت عمل می‌کنیم که اولاً، 1951 هکتار زمین داخلی استان که به برنج اختصاص داده شده جای پای اکولوژیک زمین کشاورزی (برای محصول برنج) از زمینهای داخل استان را تشکیل می‌دهد (یعنی مقدار 0/00052 هکتار برای هر نفر)، مابقی نیازهای مصرفی که از سایر استانها با بازدهی 4784 کیلو در هکتار (متوسط بازدهی برنج در کل کشور)، بدست می‌آید بیانگر سرانه جای پای اکولوژیک زمین کشاورزی (برای محصول برنج) است که از سایر استانها تأمین شده (یعنی مقدار 0/00706 هکتار برای هر نفر). همین فرآیند برای سایر محصولات اعم از گندم دیم و آبی، سیب زمینی، پیاز، چغندر قند، نیشکر، سویا، کلزا، سایر دانه‌های روغنی (اعم از آفتابگردان، بادام زمینی و ...)



نشانگر مقدار جای پای اکولوژیک در بخش مصارف غذا روی زمین‌های کشاورزی هر استان است.<sup>1</sup>

بخش دیگر در محاسبه جای پای اکولوژیک مصارف غذایی مربوط به زمین مرتع می‌باشد. براساس نظر واکرناگل، برای محاسبه زمین مرتع در این بخش مقدار مصارف غذایی گوشت قرمز و شیر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. از این رو مقدار سرانه مصرف گوشت و شیر و مقدار سرانه تولید گوشت و شیر در هر استان محاسبه خواهد شد. همانند گذشته با محاسبه این دو رقم، می‌توان مقدار نیاز استان به سایر پهنه‌های جغرافیایی برای تأمین مصارف غذایی را برآورد نمود.<sup>2</sup> در ادامه برای محاسبه مقدار جای پای اکولوژیک در زمین مرتع، از روش واکرناگل بهره‌برداری کرده و فرض می‌کنیم هر یک از دام‌های موجود در استان برای تأمین نیازهای خود به  $1/24$  هکتار مرتع نیاز دارند که این مقدار هم برای تولید گوشت، شیر، پشم و سایر محصولات دامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.<sup>3</sup>

و کلیه محصولات باغی انجام شده و تجمیع تمامی آنها بیانگر مقدار جای پای زمین کشاورزی در بخش غذا برای هر کدام از استان‌ها خواهد بود.

1 - در این بخش فرض کرده‌ایم اگر مقدار مصارف غذایی هر استان بالاتر از تولیداتش باشد، استان مورد نظر به ناچار باید نیازهای مصرفی خود را از سایر استان‌ها تأمین کند. فرض می‌کنیم که هر استان که این ویژگی را دارد، مقدار کسری مواد غذایی را از متوسط بازدهی کشور دریافت می‌کند. با توجه به مباحث مطرح شده، نیازهای زمین کشاورزی استانها را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود، نیازهایی که با زمین‌های داخل استان تأمین می‌شود و دوم آن دسته از نیازهای غذایی که با زمین‌های داخل استان قابلیت تأمین آن وجود نداشته و از این رو ناچار به واردات مواد از سایر مکان‌های جغرافیایی است.

2 - علاوه بر این بازهم فرض خواهیم کرد استان‌هایی که قادر به تأمین نیازهای مصرفی خود برای گوشت قرمز و شیر نیستند، ناچار خواهند بود تا کسری غذایی خود را از سایر استان‌های ایران یا واردات از خارج تأمین نمایند. در این جا نیز فرض می‌کنیم که استان‌های فوق برای تأمین مصارف خود با پهنه‌ای مواجه هستند که بازده تولید شیر و گوشت آن برابر با متوسط کل تولید کشور می‌باشد.

3 - در اینجا نیز برای محاسبه جای پای اکولوژیک زمین مرتع یک شهروند ساکن در استان آذربایجان شرقی به طریق ذیل عمل شد: براساس آمارهای سالانه، در استان فوق تعداد 1608160 گوسفند، 239635 بز، 236034 گاو برای استحصال شیر موجود بود که به صورت متوسط از هر رأس دام در سال،  $0/32$  تن شیر استحصال می‌شود. هر کدام از ساکنان استان نیز به صورت متوسط 70 کیلو شیر در سال مصرف می‌کنند. با توجه به مقایسه تولیدات و مصارف، شیر تولیدی در استان علاوه بر تأمین نیازهای ساکنان استان به خارج از آن نیز صادر می‌شود از این رو برای تأمین شیر غذایی در سبد خانوار ساکنان آذربایجان

یکی دیگر از بخش‌های مورد استفاده برای غذا مربوط به زمین‌های ساخته شده است. برای محاسبه مقدار زمین‌های ساخته شده چند بخش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، این موارد شامل مقدار زمین‌های مربوط به استخرهای پرورش ماهی‌های سرد آبی و گرم آبی، زمین‌های مورد استفاده برای کارخانجات صنایع غذایی در استان‌ها، زمین‌های استفاده شده برای پرورش دام‌های شیری و گوشتی در هر استان<sup>1</sup> است.

یکی دیگر از مصارفی که برای تأمین غذا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، زمین‌های جنگلی است.<sup>2</sup> برای مثال، مقادیری کاغذی که صرف بسته‌بندی و لفاف در صنایع غذایی می‌شود در این بخش محاسبه شده است.

مصارف غذایی افراد در استان‌ها می‌تواند شامل مصرف غذاهای دریایی نیز شود، که برای استحصال آن از زمین موسوم به زمین دریا بهره‌برداری می‌شود.<sup>3</sup>

در انتها، برای محاسبه جای پای اکولوژیک مصارف غذایی، لازم است زمین انرژی را نیز

شرقی، 0/175 هکتار زمین مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر مقدار 20765 تن گوشت قرمز در استان تولید می‌شود و با توجه به مصرف سرانه 12/5 کیلو گوشت برای هر کدام از ساکنان استان، می‌توان به این نتیجه رسید که برای تأمین مصرف گوشت، استان علاوه بر استفاده از زمین‌های داخلی (0/0719 هکتار برای هر نفر) مقدار 0/099 هکتار نیز از زمین‌های سایر استان‌ها برای واردات گوشت استفاده می‌کند. روند فوق برای تمام استان‌ها انجام شده و سرانجام مقدار جای پای اکولوژیک ساکنان آن در زمین مرتع برا تأمین شیر و گوشت با هم جمع و محاسبه خواهد شد.

1- در اینجا براساس استانداردهای ساخت دامداری فرض خواهیم کرد که به ازاء هر رأس دام، لازم است 6/15 متر مربع زمین مسقف فراهم شود. برای کارخانجات نیز آنها را در سه دسته کارکنان 10-49؛ 50-99 و بالای صد نفر تقسیم کرده و هر بخش را براساس متوسط زمین‌های استاندارد برای احداث صنایع غذایی محاسبه نمودیم.

2- البته به دلیل اهمیت اندک زمین جنگل در تأمین غذا و همچنین نبود داده‌های آماری جزئی از زمین‌های جنگلی، قطع درختان، بازدی کارگاه‌های چوب بری و ..، از محاسبه این بخش در اغلب پژوهش‌ها چشم پوشی می‌شود. اما در پژوهش حاضر سعی کرده‌ایم با اعمال فروض ساده کننده، ساختاری برای محاسبه زمین جنگل استفاده شده در بخش غذا بدست آوریم.

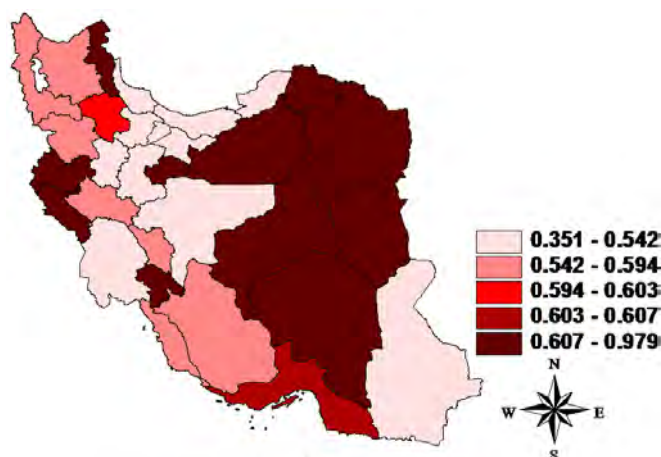
3- برای محاسبه این بخش مقدار مصرف ماهی‌های دریایی در هر استان را محاسبه کرده و آن را با تولید و بازدی صید ماهی‌های دریایی در استانهای مرزی ارزیابی می‌کنیم. لازم به توضیح است اراضی دریای هر استان با استفاده از مرزهای آبی و حق صید استان، محاسبه شد. در ادامه با تقسیم مقدار صید هر استان با مقادیر اراضی آبی تحت پوشش آن، بازدی تولید به ازاء هر هکتار زمین دریا بدست آمد. از سوی دیگر مصرف سرانه ماهی در هر استان با استفاده از گزارش‌های آماری محاسبه شد (برای مثال در استان آذربایجان شرقی سرانه 5 کیلو ماهی در سال مصرف می‌شود).

محاسبه نماییم. به عبارت دیگر برای از میان بردن  $CO_2$  حاصل از سوخت‌های فسیلی مورد استفاده در بخش کشاورزی برای تأمین نیازهای غذایی، نیازمند فشار اکولوژیکی به اراضی جغرافیایی خواهیم بود، این اراضی برای هر یک از سوخت‌های فسیلی (بنزین، نفت سفید، گاز، نفت کوره، نفت گاز و برق) براساس روش و ضرایب معرفی شده توسط واکرناگل مورد سنجش قرار خواهند گرفت. بنابراین برای محاسبه این رقم ابتدا مقدار مصرف انرژی در بخش کشاورزی برای هر استان را از ترازنامه انرژی به دست می‌آوریم. که براساس روش جای پا، تمام انرژی‌های مورد استفاده باید به واحد مشترک مگاژول یا گیگاژول تبدیل شوند. این تبدیلات براساس معادل انرژی تولیدی حاصل از هر کدام از سوخت‌های فسیلی به دست می‌آید. در ادامه با استفاده از ضرایب تبدیلی واکرناگل، مگاژول انرژی به هکتار زمین مورد نیاز تبدیل شده و از این طریق زمین سرانه در بخش زمین انرژی محاسبه می‌شود<sup>1</sup>. براساس روش واکرناگل، میزان دی‌اکسید کربن ناشی از مصرف 100 گیگاژول سوخت‌های فسیلی نیاز به زمینی معادل با یک هکتار دارد، به این معنا که هر هکتار زمین حاصلخیز در یک سال می‌تواند 100 گیگاژول انرژی تولید نماید (Wackernagel, 1994:104).

برای جمع‌بندی نتایج در این بخش مقادیر زمین‌های مورد استفاده برای تأمین غذا در بخش زمین کشاورزی، زمین جنگل، زمین ساخته شده، زمین دریا، زمین مرتع و زمین انرژی، با هم جمع شده و جای پای اکولوژیک ساکنین هر یک از استان‌های ایران برای تأمین مواد غذایی محاسبه می‌شود. نتایج فوق در شکل 2 نمایش داده شده است. با توجه به شکل ساکنان استان خراسان جنوبی با سرانه 0/979 هکتار زمین برای تأمین مصارف غذایی خود در سال، بالاترین جای پای اکولوژیک در بخش غذا را داشته و ساکنان استان قزوین با 0/35 هکتار زمین برای تأمین نیازهای غذایی یک نفر، کمترین جای پای اکولوژیک در بخش غذا را دارند. با توجه به شکل

1- لازم به توضیح است، از آنجایی که از کل مصارف انرژی استفاده شده در استان، برای تولید محصولات کشاورزی داخل استان استفاده می‌شود اما قاعدتاً تمام تولیدات در داخل استان مصرف نمی‌شود، ناچاریم به نوعی مقادیر مصرف داخل استان و مقادیر مصرفی خارج از استان را از هم تفکیک نماییم. برای این کار متوسط نسبت صادرات محصولات کشاورزی، مرتعی، دریایی برای هر یک از استان‌ها را محاسبه کرده و تجمیعی آنان را نشان از وارد کننده یا صادر کننده بودن استان در محصولات قلمداد می‌کنیم.

می‌توان، پراکندگی جغرافیایی جای پای اکولوژیک انسان‌ها در بخش غذا را میان استان‌های ایران مشاهده کرد. استان‌های شرق کشور بزرگ‌ترین و استان‌های شمالی کوچک‌ترین جای پای اکولوژیک مصارف غذایی را دارا می‌باشند.



شکل 2: پراکندگی سرانه جای پای اکولوژیک برای تأمین مصارف غذایی در ایران (هکتار سرانه)

### 3-2- جای پای حمل و نقل

برای تأمین نیازهای مربوط به حمل و نقل، از زمین ساخته شده و زمین انرژی استفاده می‌شود، بنابراین در ادامه این دو بخش برای استان‌های ایران محاسبه خواهد شد. برای محاسبه جای پای اکولوژیک در بخش حمل و نقل، ابتدا مقدار زمین مورد نیاز برای از میان بردن دی‌اکسید کربن مصرفی در بخش حمل و نقل را محاسبه می‌کنیم، برای این کار مقادیر مصرفی بنزین، گاز، نفت کوره، نفت گاز و برق، در بخش حمل ریلی، دریایی، زمینی را محاسبه کرده و براساس تبدیل‌های استاندارد معرفی شده برای هر نوع سوخت، معادل انرژی آنها را به واحد ژول تبدیل و جمع خواهیم کرد. براساس فرض مورد استفاده و اگرناگل هر هکتار زمین، معادل 100 گیگاژول انرژی تولید می‌کند، بنابراین مقدار گیگاژول انرژی را به هکتار زمین معادل آن تبدیل کرده و از این طریق سرانه زمین انرژی استفاده شده در بخش حمل و نقل برای استان‌های کشور را محاسبه می‌کنیم.

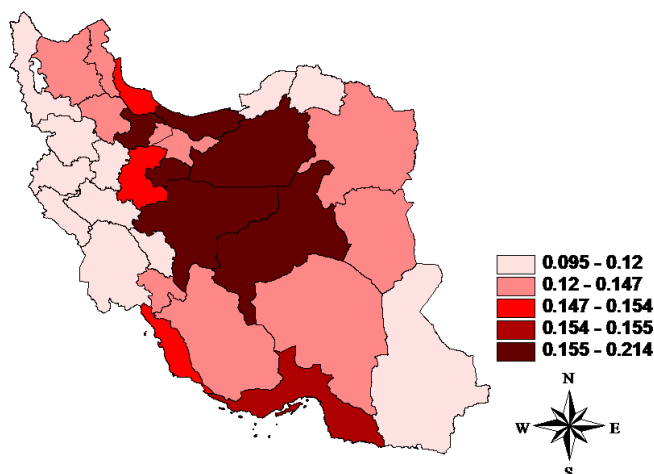
پس از محاسبه مقدار زمین انرژی نیاز است تا زمین‌های ساخته شده در بخش حمل و نقل نیز

محاسبه شود، برای محاسبه زمین ساخته شده، مساحت انواع راه‌های موجود در استان‌ها اعم از آزادراه‌ها، بزرگراه، راه اصلی عریض، راه اصلی دو خطه، راه فرعی عریض، راه فرعی درجه یک، راه فرعی درجه دو، سایر راه‌های آسفالت‌ه، راه فرعی شنی عریض، راه فرعی شنی درجه یک، راه فرعی شنی درجه دو، راه‌های روستایی، طول انواع خطوط راه آهن اصلی، صنعتی و تجاری، فرعی و مانوری، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، جمع‌آوری و معادل سرانه هکتار آن برای هر استان محاسبه شده و به عنوان شاخصی برای زمین ساخته شده در استان بکار می‌رود.

از آنجایی که براساس نظر واکرناگل و ریز جای پای حمل‌ونقل شامل زمین کشاورزی، زمین مرتع و زمین جنگل نمی‌شود، بنابراین برای محاسبه کل جای پای اکولوژیک در بخش حمل‌ونقل مقادیر زمین انرژی و زمین ساخته شده با هم جمع می‌شود، نتایج نشان از آن دارد که استان سمنان با 0/214 هکتار برای هر نفر بالاترین و استان لرستان به مقدار 0/095 هکتار برای هر نفر کمترین مقدار جای پای اکولوژیک را در بخش حمل‌ونقل در اختیار دارند. همان‌گونه که از شکل می‌توان مشاهده کرد، ساکنان استان‌های مرکزی ایران، اعم از سمنان، اصفهان، قم، یزد، قزوین و همچنین استان اردبیل، بالاترین جای پای اکولوژیک حمل‌ونقل را در کشور دارا هستند، به عبارت دیگر افراد ساکن در این استان‌ها، فشارهای بالاتری به زیست کره وارد می‌آورند. از سوی دیگر استان‌های نیمه غربی کشور دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک ناشی از تأمین نیازهای حمل‌ونقل می‌باشند. البته با توجه به آنکه استان‌های مرکزی کشور شاهراه ارتباطی حمل‌ونقلی در کشور نیز می‌باشند، بنابراین قابل پیش‌بینی بود که این استان‌ها سرانه بالایی در جای پای حمل‌ونقل داشته باشند.

#### 4-3- جای پای کالاها و خدمات

یکی دیگر از مهم‌ترین بخش‌های مصرفی انسان در اقتصاد، مصرف کالاها و خدمات یا به عبارت دیگر، مصارف غیرخوراکی (بجز مسکن و حمل‌ونقل) است، مصارفی همچون پوشاک، کیف و کفش، و خدماتی همچون آموزش، بهداشت و درمان، خدمات عمومی و ... به دلیل اهمیت بالای این بخش از مصارف خانوار، لازم است تا جای پای حاصل از مصارف فوق نیز به صورت مجزا محاسبه شود. در این بخش نیز خانوارها برای تأمین نیازهای مصرفی خود به زمین در بخش‌های مختلفی نیاز دارند، جنگل، مرتع، زمین کشاورزی، زمین ساخته شده و زمین انرژی براساس پایه‌های استاندارد جای پای اکولوژیک باید محاسبه شود.



شکل 3: پراکندگی سرانه جای پای اکولوژیک بخش حمل و نقل در ایران (هکتار سرانه)

براساس واکرناگل (1994)، برای محاسبه زمین انرژی در بخش کالاها و خدمات از آمارهای مربوط به هزینه درآمد خانوار استفاده می شود. آمارهای هزینه درآمد خانوار ایرانی در دو بخش روستایی و شهری و در زیر بخش های مربوط به کیف و کفش، لوازم اثاثیه و ملزومات و خدمات خانوار، بهداشت و درمان، تفریحات سرگرمی ها و خدمات فرهنگی، کالاها و خدمات متفرقه خانوار (و تمام زیر بخش های مربوط به هر یک از موارد بالا) دسته بندی کرده و با توجه به نسبت جمعیت روستایی و شهری ساکن در هر استان، مقدار متوسط هزینه های غیرخوراکی خانوارهای هر یک از استان ها محاسبه می شود. در ادامه باید با استفاده از مقدار شدت انرژی در بخش های مختلف اقتصاد ایران، میزان انرژی صرف شده بابت مصارف خانوارها را در بخش های مختلف به دست آورد. برای استخراج شدت انرژی از محاسبات انجام شده توسط گلی و اشرفی (1389) استفاده می شود (Goli & Ashrafi, 2010)<sup>1</sup>. پس از این مرحله معادل انرژی مصرفی سرانه هر یک

1- براساس مطالعه فوق شدت انرژی در هر کدام از بخش ها را می توان به صورت زیر نمایش داد (بشکه نفت خام/میلیون ریال)

بخش	شدت انرژی	بخش	شدت انرژی
کشاورزی	0/58	صنعت	1/21
خدمات	2/09	حمل و نقل	7/7

از ساکنان استان‌ها در هر کدام از زیر بخش‌های مصرفی مربوط به کالاها و خدمات محاسبه شده و نتایج با استفاده از تبدیل‌های واکرناگل (1994) تبدیل به هکتار زمین خواهد شد. براساس مطالعه واکرناگل (1994)، برای محاسبه زمین کشاورزی، از میزان مصرف ساکنان استان‌ها از پنبه، تنباکو و توتون، چای بهره خواهیم برد. در این بخش نیز میزان استفاده سرانه از هر یک از محصولات از داده‌های استانی و هزینه در آمد خانوار به دست می‌آید. در بخش مصرف پنبه براساس داده‌های سازمان خواروبار جهانی، سرانه مصرف هر ایرانی به دست آمده و با توجه به هزینه‌های انجام شده هر کدام از ساکنان استان‌ها برای پوشاک و لباس، نسبت به کل هزینه‌های غیرخوراکی خود تعدیل می‌شود. به عبارت دیگر به دلیل فقدان اطلاعات سرانه مصرف پنبه در استان‌های ایران، فرض خواهیم کرد که پراکندگی نسبت هزینه‌های پوشاک و لباس به کل هزینه‌های غیرخوراکی در استان‌های ایران، همانند پراکندگی مصارف ساکنان ایران برای مصرف پنبه است، البته مصرف پایه‌ای برای هر فرد را برابر با متوسط مصرف کشور قلمداد کرده و با ضرب مقدار فوق در تفاضل از میانگین نسبت هزینه‌های پوشاک و لباس به کل هزینه‌های غیرخوراکی، شاخصی برای مصرف سرانه پنبه در هر استان استخراج می‌کنیم. پس از این مرحله با استفاده از آمارهای سازمان جهاد کشاورزی مقادیر تولید پنبه در استان‌های ایران و عملکرد در هکتار آنها را محاسبه کرده و به عنوان معیاری برای بازدهی تولید جغرافیایی استفاده خواهیم کرد<sup>1</sup>. در ادامه برای محاسبه زمین کشاورزی در این بخش، جای پای مصرف توتون و تنباکو، چای نیز براساس

1- برای محاسبه زمین کشاورزی سرانه در این بخش، میزان سرانه مصرف پنبه را بر میزان بازدهی به هکتار پنبه استان (یا منطقه تأمین کننده پنبه) تقسیم خواهیم کرد. براساس آمارها، در سال 90 به اندازه 117130 هکتار از زمین‌های ایران اختصاص به کشت پنبه داشته است. که با تولید 270844738 تن پنبه متوسط عملکرد 2395 کیلو در هکتار را تجربه کرده است. با توجه به موارد فوق الذکر، میزان بازدهی به ازاء هر هکتار و میزان مصرف به ازاء هر نفر برای هر یک از استان‌ها محاسبه شده و با توجه به معادله ارائه شده توسط واکرناگل (1994)، مقدار زمین سرانه کشاورزی برای تأمین نیاز مصرفی به پنبه هر فرد ساکن در استان‌ها بدست آمد. لازم به ذکر است در اینجا نیز، استان‌هایی وجود داشته‌اند که هیچ زمینی به کشت پنبه اختصاص نداده بودند، همانند گذشته فرض کرده‌ایم که این استان‌ها میزان پنبه مورد نیاز خود را از سایر مناطق پشتیبان خود با بازدهی متوسط کشوری تأمین می‌کنند.

همین روش محاسبه می‌شود<sup>1</sup>. در انتهای این بخش، با جمع کردن مقدار زمین کشاورزی مورد نیاز برای پنبه، توتون و چای، مقدار جای پای اکولوژیک ساکنان هر یک از استان‌ها بر زمین‌های کشاورزی برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیازشان را به دست می‌آوریم. یکی دیگر از بخش‌های جغرافیایی که انسان برای تأمین نیازهای خود در بخش کالا و خدمات از آن بهره‌برداری می‌کند، مراتع هستند. در این بخش واگرناگل فرض می‌کند که انسان تنها برای تأمین پشم مورد نیاز برای البسه و پوشاک از مراتع بهره‌برداری می‌کند. پشم مورد نیاز نیز از گوسفندان تأمین می‌شود. اما در این بخش باید مقدار زمین مرتع مورد استفاده گوسفندان تفکیک صورت گیرد، به گونه‌ای که گوسفند پس از استفاده از مراتع، علاوه بر پشم، گوشت نیز تولید می‌کند. بنابراین بخشی از مراتع برای تولید گوشت و بخشی دیگر از آن برای تولید پشم مورد استفاده

1 براساس آمارهای جهانی هر ایرانی سالانه بین 657-764 نخ سیگار مصرف می‌کند، از این آمار به عنوان شاخصی برای مصرف متوسط هر ایرانی از توتون و تنباکو بهره برداری کرده و با توجه به هزینه‌های خانوار برای توتون و تنباکو، مقادیر مصرف تعدیل شده هر استان از توتون و تنباکو را محاسبه خواهیم کرد. از سوی دیگر براساس آمار وزارت کشاورزی در سال 90 به اندازه 11230 هکتار زمین به کشت توتون اختصاص داشت که از آن 11571106 کیلوگرم توتون برداشت شد. به عبارت دیگر با بازدهی متوسط 1653 کیلو برای هر هکتار زمین، همچنین آمارهای وزارت کشاورزی میزان تولید و عملکرد تولید هر یک از استان‌ها را ارائه می‌دهد. در این بخش نیز استان‌هایی وجود داشته‌اند که هیچ زمینی به کشت توتون اختصاص نداده بودند، همانند گذشته فرض کرده‌ایم که این استان‌ها میزان توتون مورد نیاز خود را از سایر مناطق پشتیبان خود با بازدهی متوسط کشوری تأمین می‌کنند. با توجه به روش ارائه شده توسط واگرناگل (1994) میزان زمین مورد نیاز برای تأمین مصرف توتون افراد را نیز محاسبه خواهیم کرد. در انتهای این بخش لازم است زمین مورد نیاز برای تأمین مصرف چای نیز محاسبه شود. با توجه به آمارهای جهانی هر ایرانی به صورت متوسط سالانه 1/4 کیلوگرم چای مصرف می‌کند، که از این به عنوان شاخصی برای مصرف سرانه چای ساکنان در همه استان‌ها بهره برداری خواهیم کرد (البته بجز استان گیلان که آمارها نشان می‌دهد که ساکنان آن مصرف سرانه 5/1 کیلو چای داشته‌اند (گزارش ارائه شده توسط جهاد کشاورزی استان گیلان)). از سوی دیگر آمارهای وزارت کشاورزی بیان می‌کند که در سال 90 تنها در استان گیلان 29175 هکتار و مازندران 2972 هکتار زمین به کشت چای اختصاص یافته و به صورت کلی 186968045 کیلو چای برداشت شده است. بنابراین در این بخش نیز بجز استان‌های گیلان و مازندران، سایر استان‌ها هیچ زمینی به کشت چای اختصاص نداده‌اند و ناگزیر به واردات از مناطق دیگر هستند. همانند گذشته فرض کرده‌ایم که این استان‌ها میزان چای مورد نیاز خود را از سایر مناطق پشتیبان خود با بازدهی متوسط کشوری تأمین می‌کنند. در ادامه با استفاده از روش واگرناگل (1994)، مقدار زمین سرانه مورد نیاز خانوارها برای تأمین چای را نیز محاسبه خواهیم کرد.



قرار می‌گیرد. با استفاده از ساختار معرفی شده توسط واکرناگل (1994) تلاش خواهیم کرد که میان این دو بخش تمایز قائل شویم. براساس آمارهای وزارت جهاد کشاورزی و سالنامه آماری استانی در سال 1390، در ایران تقریباً 13910900 رأس گوسفند وجود داشته که با توجه به تولید 1/2 کیلو پشم برای هر گوسفند، مقدار 16693080 کیلوگرم پشم در کشور تولید شده است. روشن است برای هر یک از استان‌ها به صورت مجزا، این مقدار مورد محاسبه قرار گرفته خواهد شد. با توجه به مقدار زمین مورد نیاز برای هر رأس گوسفند در یک سال، می‌توان مقدار مصرف مرتع برای هر یک از استان‌ها را محاسبه و پس از آن با توجه به جمعیت استان مقدار سرانه مراتع مورد نیاز برای هر فرد ساکن در استان به منظور تأمین نیازهای وی برای کالاها و خدمات را به دست آورد.

یکی دیگر از بخش‌های مورد استفاده در کالاها و خدمات میزان تقاضای افراد برای کاغذ است. در این بخش تقاضای افراد بر زمین‌های جنگلی منطقه تأثیر داشته و برای تأمین نیازهای خود ناگزیرند از چوب‌های استخراج شده از جنگل‌ها بهره‌برداری نمایند. برای ساده سازی فرض خواهیم کرد که متوسط استفاده از کاغذ در میان استان‌های مختلف در کشور تفاوتی نداشته و با توجه به آمارهای ارائه شده بین 18-20 کیلوگرم در سال می‌باشد (جهاد کشاورزی و سایت خواروبار جهانی)، با توجه به مقدار چوب مورد نیاز برای تأمین یک تن کاغذ<sup>1</sup> و همچنین بازدهی تولید جنگل‌های داخل محدوده کشور، می‌توان میزان زمین جنگل مورد نیاز برای تأمین تقاضای کاغذ هر فرد ایرانی را محاسبه نمود.<sup>2</sup>

1- با توجه به گزارش‌های وزارت صنایع و کشاورزی برای تأمین یک تن خمیر کاغذ، 1/4 تن چوب مورد نیاز خواهد بود  
2- لازم به ذکر است در این بخش به دلیل فقدان داده‌ها و اطلاعات آماری در بخش جنگل به تفکیک استان‌های ایران، و همچنین آمارهایی مجزا مبنی بر مقدار تقاضای هر یک از ساکنین استان‌ها از کاغذ و فرآورده‌های آن، مجبور به اعمال فرض ساده سازی و محاسبه مقداری واحد برای کل کشور شده‌ایم.  
تولید و مصرف چوب در ایران

شرح	واحد	2010	2011	2012
تولید	متر مکعب	6539000	6761106	7468600
	تن	2582000	2933358	3773994

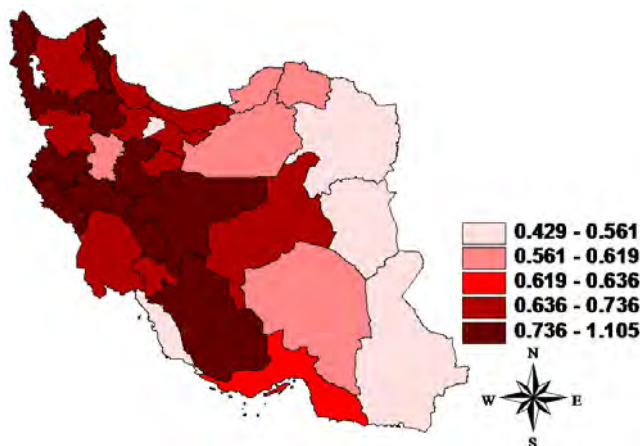
برای تأمین کالاها و خدمات مصرفی غیرخوراکی نیز افراد نیاز به ایجاد کارگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدماتی خواهند داشت. از این رو برای محاسبه مقدار زمین ساخته شده در بخش کالاها و خدمات، از تعداد کارگاه‌های صنعتی فعال در هر یک از استان‌ها و همچنین، شرکت‌های خدماتی و تعاونی ثبت شده به عنوان شاخصی برای کارگاه‌ها و مساحت‌های تأمین کننده نیاز کالاها و خدمات استفاده کرده‌ایم. در انتهای این بخش، می‌توانیم با تجمیع بخش‌های قبل، میزان کل جای پای ساکنین هر یک از استان‌های کشور را بر منطقه خود برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیازشان به دست آوریم. نتایج حاصل از این محاسبات، نشان می‌دهد در بخش کالاها و خدمات، ساکنان استان‌های ایلام، اصفهان و مرکزی بالاترین جای پای اکولوژیک را در میان استان‌های ایران داشته و ساکنان استان‌های سیستان و بلوچستان و البرز دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک می‌باشند.

### 3-4- جای پای مسکن

تأمین نیازهای مسکن افراد نیز مستلزم استفاده از اکولوژی در بخش‌های زمین جنگل، ساخته شده و انرژی می‌باشد. در بخش مسکن نیز از انرژی‌های فسیلی بهره‌برداری می‌شود که با توجه به ساختار جای پای اکولوژیک، این مصارف سبب اثرگذاری زمین انرژی خواهد شد. در این بخش براساس ساختار طرح ریزی شده در رساله واکرناگل (1994)، انرژی شامل دو مورد انرژی مورد استفاده برای تعمیرات و نگهداری ساختمان و در انرژی مورد استفاده در مسکن می‌باشد. لازم به ذکر است در این بخش مصرف انرژی در بخش خانگی را به عنوان انرژی مورد استفاده در بخش

63249	11689	12921	متر مکعب	صادرات
117362	117362	116993	تن	
6074404	6215807	5886865	متر مکعب	واردات
3410862	3400662	3309339	تن	
13479755	12965224	12412944	متر مکعب	خالص مصرف
7067494	6216658	5774346	تن	

مسکن قلمداد می‌کنیم<sup>1</sup>.



شکل 4: پراکندگی جغرافیایی سرانه جای پای اکولوژیک در بخش مصارف کالا و خدمات در ایران (هکتار سرانه)

این بخش از آمارها برگرفته از سالنامه انرژی سال 1390 کشور می‌باشد. اما برای محاسبه زمین انرژی باید از استانداردها و فروضی استفاده نماییم. براساس این فرض که انرژی ذخیر شده در یک الوار 10 مگاژول به ازاء هر کیلوگرم الوار است (Brown, 1985: 61) و همچنین این فرض که تقریباً برای ساخت یک خانه 23/6 متر مکعب چوب استفاده می‌شود (Shahanavaz, 2012). علاوه بر این عمر متوسط مسکن در ایران برابر با 30 سال می‌باشد (گزارش‌های وزارت مسکن و شهرسازی). بنابراین با توجه به مساحت و تعداد واحدهای مسکونی در استان‌های ایران (برگرفته از سالنامه آماری استانی) می‌توان میزان، انرژی حاصل برای ساخت و تعمیرات مسکن را محاسبه نمود. پس این مرحله با استفاده از سالنامه انرژی کشور، مقدار انواع سوخت‌های مصرفی در بخش خانگی را محاسبه کرده و با توجه به تبدیل‌های معرفی شده توسط واکرناگل (1994) معادل زمین

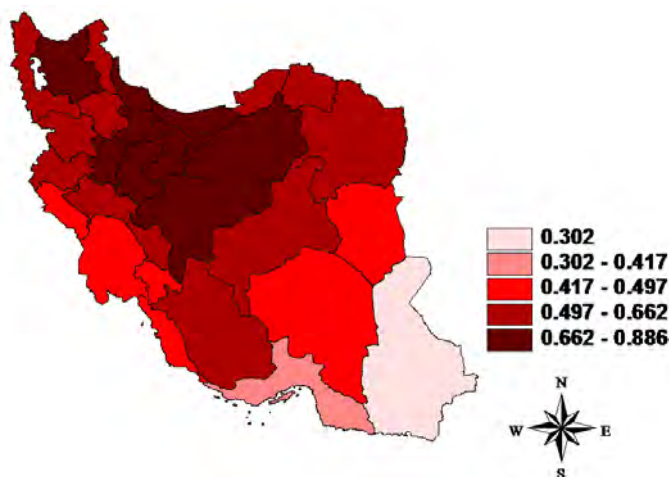
1- البته روشن است که مقدار انرژی مصرفی در ساختمان در این حالت شامل انرژی‌های مورد استفاده برای پخت و پز که مربوط به بخش غذا و انرژی مورد استفاده برای گرمایش و سرمایش منزل که مربوط به بخش کالاها و خدمات می‌شود، خواهد بود. اما چون براساس آمار قادر به تفکیک این بخش‌ها نیستیم، بهتر دیدیم تا آن را به صورت تلفیقی در زمین انرژی بخش مسکن بیاوریم.

برای هر یک از انواع سوخت‌ها محاسبه خواهد شد. در ادامه می‌توان با جمع دو بخش قبل، کل زمین انرژی مورد نیاز برای استان‌های کشور را محاسبه نمود.

یکی دیگر از بخش‌های مهم بخش مسکن، میزان جای پای افراد بر زمین‌های ساخته شده است. برای محاسبه این بخش با بهره‌برداری از سرشماری آماری سال 90 مقدار مساحت زیربنای واحدهای مسکونی در استان‌های مختلف محاسبه شد. به عبارت دیگر با توجه به دسته‌بندی انواع مسکن موجود از نظر مساحت و تعداد آنها، به صورت متوسط مساحت مسکن در هر یک از استان‌های ایران محاسبه شد.

یکی دیگر از بخش‌های مورد استفاده در بخش مسکن، مقدار استفاده از زمین‌های جنگلی برای بهره‌برداری از چوب برای ساخت مسکن می‌باشد. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، فرض می‌کنیم که تقریباً برای ساخت یک خانه 23/6 متر مکعب چوب استفاده می‌شود (Shahanavaz, 2012). علاوه بر این با توجه به داده‌های آماری حاصل از سرشماری استانی، بعد خانوار در هر استان محاسبه و براساس آن و مساحت ساختمان‌های موجود در هر استان، مقدار جای پای افراد بر زمین‌های جنگلی برای تأمین نیازشان به مسکن محاسبه می‌شود.

با توجه به ساختار معرفی شده توسط واکرناگل (1994)، در بخش مسکن تنها از زمین ساخته شده، زمین انرژی و زمین‌های جنگلی بهره‌برداری شده و نیازی به زمین دریا و مرتع وجود ندارد، از این رو با تجمیع جای پای زمین ساخته شده، زمین انرژی و زمین جنگلی قادر خواهیم بود تا مقدار کل جای پای اکولوژیک افراد به واسطه تأمین نیازهای مسکن را برای هر یک از ساکنان استان‌های ایران محاسبه نماییم. نتایج حاصل نشان از آن دارد که ساکنان استان تهران با مقدار جای پای اکولوژیک 0/886 بالاترین و ساکنان استان سیستان و بلوچستان با 0/302 دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک بر زمین‌های منطقه به واسطه تأمین نیازهای مسکن خود هستند. مطالعه پراکنندگی جغرافیایی جای پای اکولوژیک در بخش مسکن نیز نشان از آن دارد که هر چه به سمت مرکز و شمال کشور حرکت کنیم، مردم برای تأمین نیازهای مسکن خود اثرات شدیدتری بر محیط‌زیست وارد کرده و ردپایشان بر زیست کره، بزرگ‌تر بوده و استان‌های واقع در جنوب شرقی و جنوب غربی کشور کمترین اثرات را بر جغرافیا برای تأمین نیازهای مسکن خواهند داشت.



شکل 5: پراکندگی جغرافیایی سرانه جای پای اکولوژیک در بخش مسکن در ایران (هکتار سرانه)

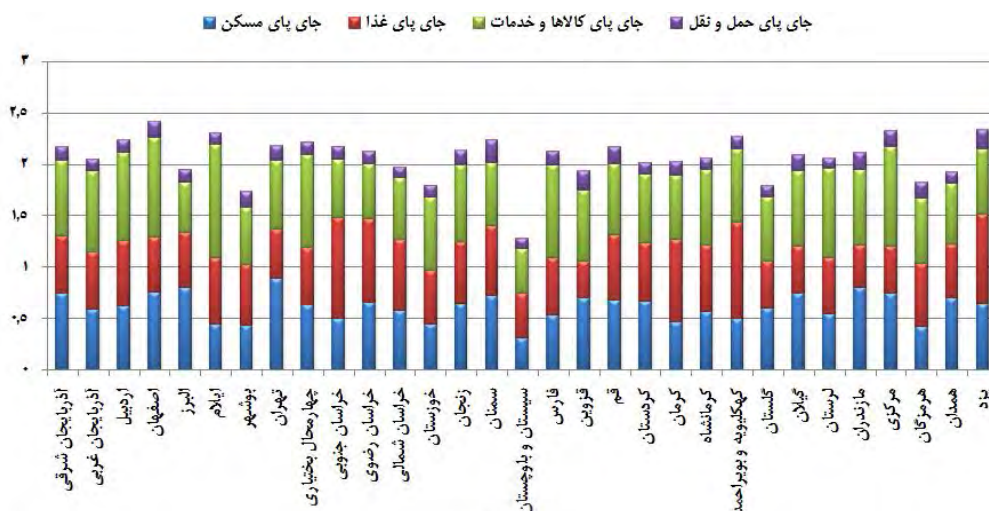
### 3-5- کل جای پای اکولوژیک استان‌های ایران

با تجمیع تمام زیر بخش‌های جای پای اکولوژیک، اعم از حمل و نقل، غذا، مسکن، کالاها و خدمات، می‌توان مقدار کل جای پای ساکنان استان‌های ایران را برای تأمین نیازهای مصرفی محاسبه نمود. نتایج حاصل از این محاسبه نشان از آن دارد که ساکنان استان اصفهان با جای پایی به اندازه 2/412 هکتار برای هر نفر دارای بالاترین مقدار و ساکنان استان سیستان و بلوچستان با مقدار 1/269 هکتار برای هر نفر دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک در میان استان‌های ایران می‌باشند. مطالعه پراکندگی اندازه جغرافیایی جای پای اکولوژیک ساکنان استان‌های ایران در شکل 7 و 6، نشان می‌دهد که ساکنان استان‌های واقع در مرکز ایران برای تأمین نیازهای مصرفی خود اثرات شدیدتری بر محیط‌زیست خود گذاشته و جای پای بزرگ‌تری نسبت به ساکنان جنوبی کشور دارند.

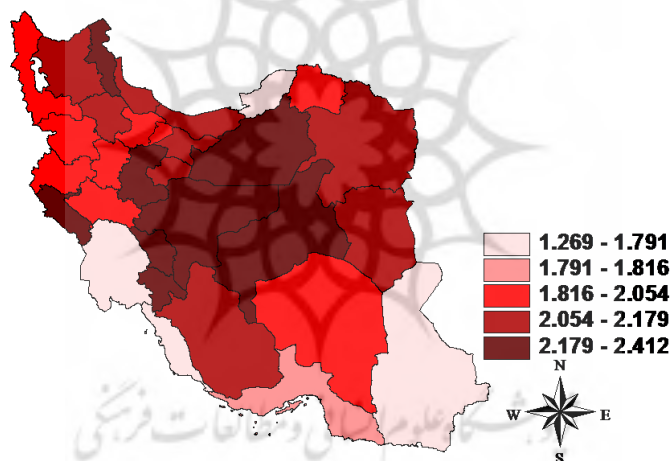
### 3-5- ظرفیت زیستی

پس از محاسبه جای پای اکولوژیک ساکنان هر یک از استان‌های ایران بر جغرافیای اطرافشان، نیاز است تا مقدار پتانسیل جغرافیایی هر یک از استان‌ها را نیز محاسبه نماییم، برای محاسبه این پتانسیل باید مقدار ظرفیت زیستی استان‌های کشور محاسبه شود. برای محاسبه ظرفیت زیستی از

بازدهی متوسط زمین‌های کشور براساس گزارش جای پای اکولوژیک 2012 عمل کرده و ضرایب را از آن استخراج می‌کنیم.



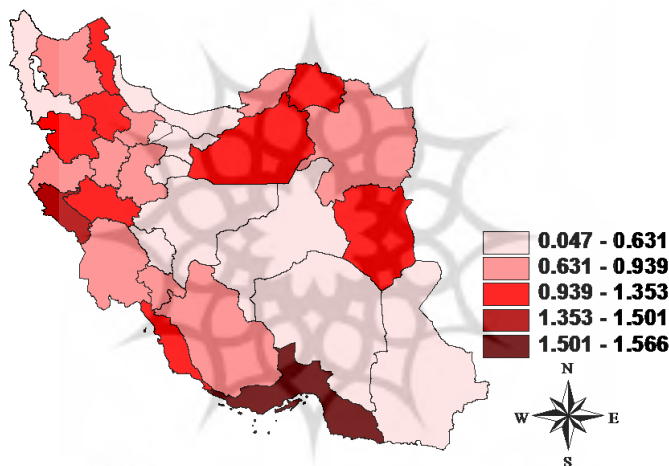
شکل 6: میزان کل سرانه جای پای اکولوژیک برای هر استان (هکتار سرانه)



شکل 7: میزان پراکنندگی جغرافیایی کل سرانه جای پای اکولوژیک در ایران (هکتار سرانه)

پس از این مرحله فرض خواهیم کرد بازدهی زمین‌های فوق برای تمامی استان‌ها یکسان است. با توجه به جمعیت استان و مقدار اراضی استان در بخش‌های مرتع، کشاورزی، دریا، ساخته شده و

جنگل، می‌توانیم ظرفیت زیستی سرانه هر یک از ساکنان استان‌های ایران را در هر یک از بخش‌های فوق محاسبه نماییم. نتایج حاصل از محاسبات فوق نشان از آن دارد که ساکنان استان هرمزگان به دلیل سهم بالای اراضی دریایی و تراکم اندک جمعیتی دارای بالاترین ظرفیت زیستی در میان ساکنان استان‌های مختلف کشور می‌باشند. ظرفیت زیستی در استان هرمزگان برابر با  $1/566$  هکتار برای هر نفر است. از سوی دیگر استان تهران به دلیل کمبود اراضی پربار و تراکم بالای جمعیتی با ظرفیت زیستی به اندازه  $0/046$  هکتار برای هر نفر، دارای پایین‌ترین مقدار ظرفیت زیستی در میان استان‌های ایران است. مطالعه پراکندگی جغرافیایی ظرفیت زیستی سرانه ساکنان استان‌ها نشان می‌دهد که استان‌هایی که دارای تراکم جمعیتی بالایی هستند (همانند تهران، البرز، گیلان، مازندران) و همچنین استان‌هایی که مقدار اندکی زمین‌های حاصلخیز دارند (همانند سیستان و بلوچستان) دارای ظرفیت زیستی سرانه پایینی هستند. با توجه به شکل زیر استان‌های فوق اغلب در کرانه شمال به سمت جنوب شرقی ایران واقع شده‌اند.



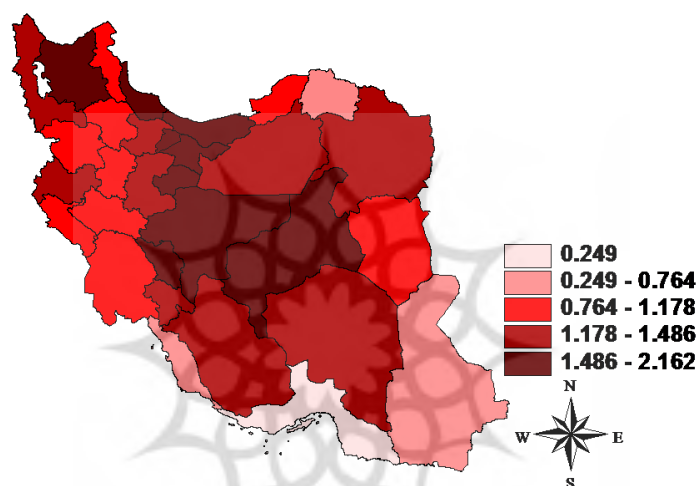
شکل 8: پراکندگی سرانه ظرفیت زیستی در میان استان‌های ایران (هکتار سرانه)

منبع: محاسبات پژوهش

### 3-6- ناپایداری در توسعه (کسری اکولوژیک)

اما مقدار جای پای اکولوژیک افراد تنها نشانگر میزان اثری است که آنان بر محیط زیست خود می‌گذارند. در ادامه می‌توانیم با مقایسه ظرفیت زیستی استان‌های ایران، با مقدار جای پای

اکولوژیک استان‌ها، به این سؤال پاسخ دهیم که کدام یک از استان‌های کشور از نظر اکولوژیک پایدارتر و کدام یک دارای ناپایداری بالاتری می‌باشند. شکل زیر مقدار کسری اکولوژیک استان‌های ایران را نمایش می‌دهد. همان‌گونه که در شکل مشاهده می‌شود، ساکنان استان هرمزگان دارای کمترین مقدار کسری اکولوژیک بوده و می‌توان گفت آنان تأمین نیازهای مصرفی خود را به اثرات کمتری بر محیط‌زیست، جبران کرده و از لحاظ اکولوژیک پایدارتر بالاتری دارند. از سوی دیگر ساکنان استان اصفهان، تهران و قم به ترتیب دارای بالاترین کسری اکولوژیک در میان استان‌های ایران می‌باشند، روشن است که استان‌های فوق به دلیل کمبود زمین‌های پربار و تراکم بالای جمعیتی برای تأمین نیازهایشان وابستگی شدیدی به مناطق پشتیبان داشته و از این نظر براساس شاخص پایداری اکولوژیک، ناپایدارترین استان‌های ایران می‌باشند.



شکل 9: میزان پراکندگی جغرافیایی کسری اکولوژیک در ایران (هکتار سرانه)

منبع: محاسبات پژوهش

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال آن بوده تا با استفاده از شاخص جای پای اکولوژیک، استان‌های ایران را از نظر اثری که هر یک از ساکنان آن بر جغرافیای منطقه می‌گذارند، رتبه‌بندی کند. نتایج مطالعه حاضر نشان از آن دارد که بسیاری از استان‌های ایران برای تأمین نیازهای مصرفی خود ناگزیر به



استفاده غیربهبینه از زیست کره می‌باشند. به گونه‌ای که اندازه جای پای اکولوژیک استان‌ها، بسیار بالاتر از ظرفیت زیستی آنان است. جدول زیر نشان‌دهنده خلاصه نتایج حاصل از محاسبه جای پای اکولوژیک و رتبه‌بندی آن در استان‌های ایران می‌باشد.

جدول 2: رتبه‌بندی استان‌ها براساس اندازه جای پای اکولوژیک

رتبه	استان	جای پا	رتبه	استان	جای پا	رتبه	استان
1	اصفهان	2/412	11	آذربایجان شرقی	2/167	21	کرمان
2	یزد	2/336	12	قم	2/166	22	کردستان
3	مرکزی	2/316	13	زنجان	2/127	23	خراسان شمالی
4	ایلام	2/299	14	خراسان رضوی	2/125	24	البرز
5	کهگیلویه و بویراحمد	2/266	15	فارس	2/124	25	قزوین
6	اردبیل	2/233	16	مازندران	2/106	26	همدان
7	سمنان	2/228	17	گیلان	2/084	27	هرمزگان
8	چهارمحال و بختیاری	2/208	18	کرمانشاه	2/054	28	خوزستان
9	تهران	2/179	19	لرستان	2/053	29	گلستان
10	خراسان جنوبی	2/169	20	آذربایجان غربی	2/047	30	بوشهر
						31	سیستان و بلوچستان

نتایج حاصل از مطالعه در چندین بخش دسته‌بندی شده است، در محاسبه زیر بخش‌های مورد استفاده برای مصرف به این نتیجه رسیدیم که ساکنان استان خراسان جنوبی با جای پای سرانه 0/232 هکتار برای هر فرد بر زمین‌های کشاورزی دارای بزرگ‌ترین جای پا بر این نوع از زمین‌ها و ساکنان استان فارس با سرانه 0/105 هکتار برای هر نفر دارای کوچک‌ترین جای پای اکولوژیک بر زمین‌های کشاورزی می‌باشند. در بخش زمین انرژی، ساکنان استان اصفهان با جای پای به اندازه 1/35 هکتار برای هر نفر بالاترین و ساکنان استان سیستان و بلوچستان با جای پای به اندازه 0/387 هکتار برای هر نفر، پایین‌ترین میزان اثر بر محیط‌زیست به واسطه استفاده از سوخت‌های فسیلی را داشته‌اند. در بخش استفاده از مراتع نیز، ساکنان استان خراسان جنوبی با مقدار 0/753 هکتار برای هر نفر، دارای بالاترین اثر بر مراتع و ساکنان استان قزوین با جای پای معادل با 0/227 هکتار برای هر نفر دارای پایین‌ترین جای پای اکولوژیک بر زمین‌های مرتعی برای تأمین نیازهای مصرفی خود هستند. در بخش زمین‌های جنگلی، به این نتیجه می‌رسیم که ساکنان استان تهران با جای پای معادل با 0/544 هکتار برای هر نفر بالاترین و سکنه استان سیستان و

بلوچستان با مقدار 0/391 هکتار برای هر نفر پایین ترین جای پای اکولوژیک بر زمین های جنگلی در میان استان های ایران می باشند. یکی دیگر از زیر بخش های جای پای اکولوژیک، زمین های ساخته شده است. محاسبه و تجمیع نتایج این بخش نشان از آن دارد که ساکنان استان خراسان جنوبی با 0/0252 هکتار برای هر نفر دارای بالاترین مقدار و ساکنان استان آذربایجان غربی با 0/0054 هکتار برای هر نفر دارای پایین ترین میزان جای پای اکولوژیک به واسطه احداث بناهای خود می باشند. اما نتایج کلی حاصل از این محاسبه که از تجمیع تمام بخش های قبل حاصل می شود، نشان از آن دارد که ساکنان استان اصفهان با جای پای به اندازه 2/412 هکتار برای هر نفر دارای بالاترین مقدار و ساکنان استان سیستان و بلوچستان با مقدار 1/269 هکتار برای هر نفر دارای کمترین مقدار جای پای اکولوژیک در میان استان های ایران می باشند.

نتایج بررسی اندازه پایداری در توسعه به وسیله مقایسه میزان کسری اکولوژیک در میان استان ها، نشان داد که استان های اصفهان، تهران و قم دارای بالاترین میزان کسری اکولوژیک در میان استان های ایران بوده اند. بنابراین با توجه به ساختار نتایج می توان اذعان داشت که تمامی استان های ایران در حال مصرف بیش از پتانسیل تولید اکولوژیک خود می باشند. در این میان استان هایی که دارای اکولوژی غیر غنی همچون استان قم، استان های صنعتی و پر جمعیت همچون استان های اصفهان و تهران در حال اثر گذاری زیان بارتر بر محیط زیست خود هستند. به عبارت دیگر یافته ها نشان از آن دارد که ارتباط مثبتی میان میزان تولید اقتصادی استان ها و اندازه جای پای اکولوژیک آنها وجود دارد، به عبارت دیگر می توان انتظار داشت که ساختار توسعه اقتصادی در میان استان های ایران به گونه ای است که با فشار غیر بهینه بر اکولوژیک و محیط زیست همراه است. از این رو پیشنهاد می شود که برنامه ریزان اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی کشور، راهکارهایی برای توسعه بهینه بدون فشار بر اکولوژی را طراحی کرده و ساختار جامعه را با در نظر گرفتن این موهبت الهی یعنی محیط زیست، برای آیندگان در نظر بگیرند. از مهم ترین این راهکارها می تواند برنامه ریزی به منظور افزایش بازدهی زمین ها برای بهبود ظرفیت زیستی باشد؛ این مهم با انتخاب تولیدات کارا و با مزیت در بخش کشاورزی برای هر استان و تخصیصی شدن تولید کشاورزی و افزایش بازدهی در هکتار و به تبع آن بهبود شاخص پایداری استان ها، حاصل می شود. علاوه بر این برنامه ریزی برای کاهش استفاده از سوخت های فسیلی و رو آوردن به انرژی های نو، از مهم ترین راهکارها برای کاهش جای پای استان های ایران قلمداد می شود، به گونه ای که زمین انرژی در

اغلب استان‌ها، بیشترین اثر را بر اندازه جای پا داشته، از این رو کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و جایگزینی آنها با انرژی‌های نو می‌تواند به بهبود پایداری توسعه استان‌ها کمک کند. قاعدتاً پیش از تمام این موارد باید، حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی موجود اعم از جنگل‌ها و مراتع، در اولویت قرار گیرد تا ابتدا ظرفیت‌های موجود زیستی استان‌ها پایدار مانده و در ادامه با برنامه‌ریزی مناسب تلاش برای بهبود پتانسیل‌های موجود به انجام برسد.

## References

- [1] Arabi Yazdi, A., A. Alizadeh, S. Nairizi. (2009). Study of food security based on the concept of virtual water trade and ecological water foot print (Case study: Khorasan Razavi Province) (in Persian). *Agroecology journal*, 1, No.1, 1-13. (in Persian)
- [2] Arabi-Yazdi A., A. Alizadeh, F. Mohamadian. (2010). Study on Ecological Water Footprint in Agricultural Section of Iran (Text in Persian). *Journal of water and soil*, 23, NO.4, 1-10. (in Persian).
- [3] Azkia, M. and G., Ghaffari. (2003). *sociology of development*, Tehran, publisher of the universe. (in Persian)
- [4] Daliri H. and N. Mehrgan. (2015). Measuring Sustainable Development in the Khorasan Provinces of Iran (Text in Persian). *Journal of economy and regional development*, 22, No.9, 1-30. (in Persian)
- [5] Daliri, H. and S. Shahanvaz. (2015). Assessing the Sustainability of housing development in the provinces of Iran by using ecological footprint, *Journal of Housing Economics (Ministry of Roads and Urban Development)*. No. 52, pp. 108-82. (in Persian)
- [6] De Coster, P. (2002). *chair of sustainable development*, Mohsen Hakimi translation of a chapter of Greenpeace, Issue 10. (in Persian)
- [7] Faryadi and samadpor, (2010). Determination of Optimum Portion use of Various Transportation Systems to Decrease the Ecological Footprint of Tehran (Text in Persian). *Journal of Environmental Studies*, 36, No. 54. 97.108. (in Persian)
- [8] Gharakhloo, M., Hataminejad, H., Baghvand, A., Yalveh, M. (2013). Evaluation of urban sustainability by Ecological footprint method (case study kermanshah city), *Human Geography Research*, No. 45 (2) 105-120.(in Persian)
- [9] Gholamhossien pour jafari nejad A., A. Alizadeh, A. Neshat. (2013). Study on Ecological Water Footprint and indicators of virtual water in Agricultural Section of Kerman Province (Text in Persian). *Irrigation & Water Engineering*, 4, No. 13, 80-90. (in Persian)
- [10] Goli, Z., Ashrafi, Y. (2010). Assessment of country energy intensity and the analysis Using the Fisher ideal index in iran, *Economic Research and*

- Policies No. 54, 35-54. (in Persian)
- [11] Hajjilu F., B. Yazdkhasti, Mohammad Bagher Alizadeh. (2013). Examine the relationship between cultural capital ecological footprint canvas Shnakhtymvrd Study: Tabriz citizens, Bioethics, 3, no 8. 101-133. (in Persian)
- [12] Hekmatnia, H. and A. Zangiabad. (2004). analyzed and stable levels in the city of Yazd and present strategies to improve it, Geographical Research, No. 72, 37-52. (in Persian).
- [13] Hoseinzadeh dalir, k. and Sasanpour F. ( 2006). Ecological footprint method in sustainability of mega cities with the attitude of Tehran metropolis, Geographical Research, No. 82, 83-100. (in Persian)
- [14] Hoseinzadeh dalir, k. and Sasanpour F. (2006). Ecological footprint method in sustainability of mega cities with the attitude of Tehran metropolis, Geographical Research, No. 82, 83-100. (in Persian)
- [15] Jome pour, M., hataminejad, H., Shahanavaz , S. (2013). Sustainable development of Rasht county using ecological footprint, Human Geography Research, No. 45(3).191-208. (in Persian)
- [16] Jome pour, M., hataminejad, H., Shahanavaz , S. (2013). Sustainable development of Rasht county using ecological footprint, Human Geography Research, No. 45(3).191-208. (in Persian)
- [17] Mehrgan, N. and H. Daliri. (2015). examining of the sustainability of development in the Northern provinces using the ecological footprint index, geographical space planning, Volume 5, Issue 17, pp. 169-151. (in Persian)
- [18] Pourjafar, M., Khodae, Z., Pourkheiry, A. ( 2011). Analytical approach in understanding components, indicators Sustainable urban development, Iranian social development studies, No. 3, 25-37. (in Persian)
- [19] Radcliffe, (1994). Sustainable Development, translated by Hussein Nir, published by the Center of Planning and Agricultural Economics Studies, Tehran. (in Persian)
- [20] Saraei M. H. and Zareei A. (2009) The Ecological Footprint (EF) as the Indicator of Societies Sustainability, Journal of Environmental Studies, 35, No. 50, 15-36. (in Persian)
- [21] Sarafi, M. (2001). the foundations of sustainable development in Tehran metropolis, anti-development, development and socio-cultural norms conference in Tehran. (in Persian)
- [22] Shahanavaz S. (2012). Sustainable development of urban areas in Rasht using ecological footprints, M.A thesis, Faculty of social sciences, Allameh Tabatabaee University. (in Persian)
- [23] Shakoor A., M. Ghoraishi , M. Lashkari and Mahtab Jafari. (2011). Consequently and tourism sustainability in Behesht Gomshodah of Bovan Mamassani by using of ecologic trace method (Text in Persian). Quarterly Journal of Human Geography, 3, No. 3, 57-69. (in Persian)
- [24] Zareei A. and Saraei M. H. (2011). Study of Ecological Capital with EF

- Index: Case Study, Iran, geograohy and environmental planning, Volume 22, Issue 1, Spring 2011, Page 97-106. (in Persian)
- [25] Bagliani M., Galli A., Niccolucci V., Marchettini N. (2008). The ecological footprint analysis applied to a sub-national area: the case of the Province of Siena (Italy), *Journal of Environmental Management*, 86(2). 354-364.
- [26] Bagliani Marco, .et al. (2006). Ecological footprint analysis applied to a sub-national area: The case of the Province of Siena (Italy). *Environmental Management*, 86, 354–364.
- [27] Bagliani, M., Ferlaino, F., Procopio, S. (2003). The analysis of the environmental sustainability of the economic sectors of the Piedmont Region (Italy). In: Tiezzi E., Brebbia C.A., Uso J.L. (eds.). *Ecosystems and Sustainable Development*. WIT Press, Southampton, UK, pp. 613-622.
- [28] Cheal ryu, H. (2005). Modeling the per Capita Ecological Footprint for Dallas County, Texas: Examining Demographic, Environmental Value, Land-Use, and Spatial. M&S. Dissertation. University of Texas.
- [29] Costanza, R. (2000). The dynamics of the ecological footprint concept. *Ecological Economics*, 32, 341-345.
- [30] Danish Environmental Assessment Institute. (2002). Assessing the ecological footprint: WWF's living planet report.
- [31] Dhanju Amardeep. (2008) An Analysis Of The Ecological Footprint Mapping By Urban Areas As A Sustainable Development Indicator, A thesis submitted to the Faculty of the University of Delaware in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts with a major in Urban Affairs and Public Policy.
- [32] Ecological Footprint Atlas. (2010). Global Footprint Network. <http://www.footprintnetwork.org/>
- [33] Ewing B., A. Reed, A. Galli, J. Kitzes, and M. Wackernagel. (2010). Calculation Methodology for the National Footprint Accounts, 2010 Edition. Oakland: Global Footprint Network.
- [34] Ewing B., D. Moore, S. Goldfinger, A. Oursler, A. Reed, and M. Wackernagel. (B)(2010). The Ecological Footprint Atlas 2010. Oakland: Global Footprint Network.
- [35] LU Ying, .et al. (2009) Ecological Footprint Dynamics of Yunnan, China, *J. Mt. Sci.* 6: 286–292.
- [36] Medved, s. (2006). Present and future ecological footprint of Slovenia-The influence of energy demand scenarios, *Ecological Modelling* 192 (2006) 25–36.
- [37] Rees W.E. (1992). Ecological footprints and appropriated carrying capacity: what urban economics leaves out. *Environment and Urbanization* 4(2). 121-130.
- [38] Sasanpour Farzaneh, Mohamd Solymani Mehrejani. (2011). Evaluation on the Sustainability of Metropolitan Environment for Good Urban Management by Ecological Footprint Model, *Journal of Sustainable*

- Development, <http://www.jourlib.org/paper/2892368#.ViPPo17N0eM>
- [39] Wackernagel, Mathis. (1994) ecological footprint and appropriated carrying capacity: a tool for planning toward sustainability, a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philophy, university of British Colombia.
- [40] Wackernagel, Mathis, William, Rees. (1996). Our ecological footprint: reducing human impact on the earth. Gabriola Island, Canada: New Society Publishers.
- [41] Wilson, J., M., Anielski. (2005). Ecological Footprints of Canadian Municipalities and Regions. The Canadian Federation of Canadian Municipalities.
- [42] Zurong, ding, jing li. (2010) Ecological Footprint and Reflections on Green Development of Hangzhou, Energy Procedia, 5, 118–124.



## پیوست (1): نتایج حاصل از محاسبه جای پای اکولوژیک در استان‌های ایران

کل جای پا	جای پای حمل و نقل	جای پای کالاها و خدمات	جای پای غذا	جای پای مسکن	
۲.۱۶۷۴۴۶۶۹ ۶	۰.۱۳۰۷۳۳۸۷۹	۰.۷۳۶۵۷۵۲۵۴	۰.۵۵۵۲۷۴۴۹۱	۰.۷۴۴۸۶۳۰۷۳	آذربایجان شرقی
۲.۰۴۷۷۸۳۹۵ ۳	۰.۱۱۹۸۳۴۸۱۳	۰.۷۸۵۵۳۷۰۷۵	۰.۵۵۳۳۴۳۶۲۸	۰.۵۹۰۰۴۸۴۲۷	آذربایجان غربی
۲.۳۳۳۷۱۴۵۲ ۲	۰.۱۲۳۳۲۰۲۲۱	۰.۸۶۲۴۶۱۷۷۷	۰.۶۲۴۵۷۶۱۹۴	۰.۶۲۳۳۵۶۳۲۹	اردبیل
۲.۴۱۱۶۸۲۱ ۸	۰.۱۵۶۶۰۳۹۱۵	۰.۹۶۵۱۳۴۳۵	۰.۵۴۲۳۴۳۸۶۲	۰.۷۴۸۱۸۶۰۹۱	اصفهان
۱.۹۴۵۶۴۴۹۰ ۸	۰.۱۲۸۲۶۱۲۵۲	۰.۴۸۶۳۴۱۶۲	۰.۵۳۹۸۴۷۰۵۴	۰.۷۹۱۰۹۴۹۸۳	البرز
۲.۲۹۹۶۷۵۵۲ ۴	۰.۱۱۴۰۸۱۹۰۷	۱.۱۰۵۲۴۱۹۲۴	۰.۶۴۲۲۲۹۲۲۹	۰.۴۳۸۱۱۶۴۷۴	ایلام
۱.۷۲۷۰۴۸۸۸ ۴	۰.۱۵۰۶۹۷۹۹۱	۰.۵۵۳۴۳۶۳۵	۰.۵۹۴۶۰۸۴۸۲	۰.۴۲۸۳۰۶۰۶۱	بوشهر
۲.۱۷۹۶۰۹۶۰ ۶	۰.۱۴۷۳۳۳۸۵۹	۰.۶۶۲۹۷۷۴۱۳	۰.۴۷۶۰۹۲۲۴۵	۰.۸۸۶۶۸۶۰۹	تهران
۲.۲۰۸۰۲۴۷۷ ۹	۰.۱۱۸۶۶۳۳۳۲	۰.۹۰۶۶۵۴۳۳۳	۰.۵۵۴۰۹۷۰۵۵	۰.۶۲۸۶۱۰۹۶	چهارمحال بختیاری
۲.۱۶۹۹۶۴۶۴ ۵	۰.۱۳۱۳۹۲۸۶۶	۰.۵۶۱۱۸۸۶۶۱	۰.۹۷۹۴۹	۰.۴۹۷۸۹۱۱۱۱۸	خراسان جنوبی
۲.۱۳۴۹۲۳۷۷ ۴	۰.۱۲۴۱۴۵۷۵	۰.۵۳۳۸۴۰۸۷۳	۰.۸۱۶۸۶۰۱۲۵	۰.۶۵۱۰۷۴۱۹۶	خراسان رضوی
۱.۹۷۰۴۰۲۸۴ ۴	۰.۱۰۵۰۴۸۱۲	۰.۶۰۶۷۳۴۸۹	۰.۶۸۳۵۱۵۱۳۹	۰.۵۷۵۱۰۴۴۸۵	خراسان شمالی
۱.۷۹۱۸۶۶۳۴ ۱	۰.۱۲۰۸۶۹۶۷۸	۰.۷۰۷۹۱۳۷۰۳	۰.۵۲۲۳۴۰۱۹	۰.۴۴۰۷۴۲۷۶۹	خوزستان
۲.۱۳۷۱۶۷۵۲ ۴	۰.۱۳۸۵۲۸۶۸۶	۰.۷۴۹۸۰۰۸۵	۰.۶۰۳۴۹۳۷۳۲	۰.۶۳۵۳۴۴۲۶۷	زنجان
۲.۲۲۸۱۷۴۰۲ ۴	۰.۳۱۴۶۴۸۶۴۲	۰.۶۱۶۲۰۳۷۶	۰.۶۷۵۹۴۷۹۷۶	۰.۷۲۱۱۷۳۶۴۶	سمنان
۱.۲۶۹۸۸۴۹۱ ۱	۰.۱۰۰۲۶۹۹۹۸	۰.۴۴۹۸۸۹۲۴۲	۰.۴۳۶۸۴۳۳۳۹	۰.۳۰۲۸۸۲۳۳۳	سیستان و بلوچستان
۲.۱۲۴۵۵۵۳۰ ۷	۰.۱۳۹۹۳۷۰۷۱	۰.۸۹۴۷۴۳۶۶۹	۰.۵۶۴۴۳۷۱۰۹	۰.۵۲۵۴۴۷۴۵۸	فارس
۱.۹۲۷۵۷۷۰۸ ۷	۰.۱۸۳۸۵۳۷۴	۰.۶۹۶۳۸۴۱۸۳	۰.۳۵۱۵۷۴۲۱۳	۰.۶۹۵۷۶۴۹۴۳	قزوین
۲.۱۶۶۲۹۷۸۱ ۷	۰.۱۶۳۶۹۱۴۶۸	۰.۶۹۷۳۱۳۷۸	۰.۶۳۴۸۳۵۲۳	۰.۶۷۰۸۱۰۴۴۸	قم
۲.۰۱۳۹۵۲۰۴ ۹	۰.۱۱۵۸۷۰۲۳	۰.۶۶۴۹۰۴۳۲۱	۰.۵۶۹۵۶۷۵۷۸	۰.۶۶۲۶۰۹۹۲	کردستان
۲.۰۲۰۵۰۴۸۸ ۷	۰.۱۳۳۲۲۲۰۷۷	۰.۶۹۹۸۱۳۴۳۱	۰.۸۰۱۷۶۷۶۷۷	۰.۴۶۵۵۳۱۷۰۳	کرمان
۲.۰۵۴۸۳۱۷۰ ۸	۰.۱۱۲۱۹۸۴۳۵	۰.۷۳۸۲۶۲۴۹	۰.۶۳۹۵۱۶۳۰۱	۰.۵۶۴۷۵۴۴۸	کرمانشاه

کهنکلیویه و بویراحمد	۰.۴۹۴۷۹۲۰۲۴	۰.۹۲۵۵۵۳۵۲۵	۰.۷۰۹۵۲۴۳۸۵	۰.۱۲۶۱۶۶۷۲۱	۲.۲۶۶۰۲۶۶۵ ۴
گلستان	۰.۶۰۰۳۴۵۰۲۱	۰.۴۵۷۰۱۹۵۶۷	۰.۶۱۸۰۷۳۳۵۹	۰.۱۱۰۸۳۸۶۶۳	۱.۷۸۶۲۷۶۶۱ ۱
گیلان	۰.۷۳۵۲۹۲۵۳۵	۰.۴۶۴۵۲۱۰۵۱	۰.۷۳۳۴۸۲۰۲۵	۰.۱۵۱۷۴۵۶۱۴	۲.۰۸۴۰۴۲۲۲ ۵
لرستان	۰.۵۳۷۹۴۳۳۳۷	۰.۵۵۰۷۷۸۲۶۴	۰.۸۶۹۶۸۱۳۳۳۴	۰.۰۹۵۰۰۱۹۱۳	۲.۰۵۳۴۰۴۹۴ ۹
مازندران	۰.۷۹۶۹۸۹۹۷۶	۰.۴۱۰۴۶۴۶۰۳	۰.۷۳۵۵۴۱۵۳۵	۰.۱۶۳۵۷۳۸۸	۲.۱۰۶۵۶۸۹۹ ۳
مرکزی	۰.۷۳۹۳۴۳۱۸۴	۰.۴۵۸۶۸۳۸۴۲	۰.۹۶۴۲۳۹۳۸۱	۰.۱۵۴۲۰۵۷۰۸	۲.۳۱۶۴۶۳۱۱ ۷
هرمزگان	۰.۴۱۷۱۲۸۴۸۵	۰.۶۰۷۴۲۴۹۴۹	۰.۶۳۶۲۴۲۸۴۴	۰.۱۵۵۴۲۵۳۲۷	۱.۸۱۶۲۳۱۶۰ ۵
همدان	۰.۶۹۸۳۸۵۴۷۹	۰.۵۳۳۵۵۸۷۳۴	۰.۵۹۰۴۵۹۴۳۷	۰.۱۰۸۵۰۱۲۳۷	۱.۹۲۰۹۰۴۸۷ ۶
یزد	۰.۶۳۶۳۷۴۶۵۸	۰.۸۶۸۰۶۹۰۳۷	۰.۶۴۲۷۳۴۸۳۹	۰.۱۸۹۲۳۸۷۰۶	۲.۲۳۶۴۱۷۲۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی